

همان چیزی را که برای عزیزان خودمان می‌پسندیم، باید برای بیمار هم بخواهیم. در طول این سال‌ها بارها پیش آمده که در مورد بیماری اطمینان کافی نداشته‌ام و با افتخار بیمار را به همکار یا شاگردی که در آن زمینه تخصص بیشتری داشته‌ارجاع داده‌ام. مهم این است که بهترین تصمیم برای بیمار گرفته شود.

بعد از بیش از سه دهه فعالیت، چه چیزی هنوز در این رشته برایتان تازگی و شیرینی دارد؟

تولد یک نوزاد سالم هنوز هم برای من همان شور و ذوق سال‌های نخست خدمت را دارد. وقتی نوزاد متولد می‌شود، انتظار ۹ ماهه پدر و مادر به پایان می‌رسد و لحظه‌ای پر از شادی و هیجان برای خانواده رقم می‌خورد. برای پزشکی که در این مسیر همراه مادر بوده و تلاش کرده بارداری به سلامت طی شود و نوزاد سالم متولد شود نیز این لحظه بسیار شیرین و ارزشمند است. با وجود گذشت ۳۱ سال، تولد یک نوزاد سالم همچنان یکی از بهترین و مقدس‌ترین لحظات زندگی حرفه‌ای من است.

اگر بخواهید در پایان فقط یک توصیه به زنان داشته باشید، چه می‌گویید؟

خانم‌ها باید مشکلات جسمی خود را مهم در نظر بگیرند و با مراجعه به موقع به پزشک، اقدام لازم را انجام دهند. زنان یکی از ارکان مهم خانواده هستند و همسر و فرزندان برای گذراندن یک زندگی آرام و شاد، به وجود و سلامت آن‌ها نیاز دارند. شاید بتوان این توصیه را از زاویه دیگری نیز دید: سلامت زن نباید فقط به این دلیل اهمیت داشته باشد که خانواده به او نیاز دارد. زن پیش از آنکه مادر، همسر یا مراقبت‌کننده از دیگران باشد، انسانی است که سلامت خودش نیز به اندازه سلامت اعضای خانواده اهمیت دارد. مراقبت از خود، خودخواهی نیست و مراجعه به پزشک نباید تا زمانی به تعویق بیفتد که دیگر فرصتی برای نادیده گرفتن علائم باقی نمانده باشد.



مادر شدن از زیباترین لحظات زندگی هر زن است و همراهی با مادران در این مسیر برایم جذاب بود



بتواند در زمان مناسب برای بررسی مشکلش به پزشک مراجعه و تشخیص و درمان مناسب دریافت کند.

به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود یک زن در مطب احساس امنیت کند و بتواند درباره مسئله‌ای که برایش پیش آمده راحت صحبت کند؟

مهم‌ترین عامل در ایجاد ارتباط مناسب بین پزشک و بیمار، جلب اعتماد بیمار است. پزشک باید در شنیدن صحبت‌های بیمار صبر و حوصله داشته باشد و فضایی امن ایجاد کند تا بیمار بتواند به راحتی مشکل خود را توضیح دهد. از طرف دیگر، لازم است گزینه‌های مختلف تشخیصی و درمانی برای بیمار توضیح داده شود و در نهایت، بهترین، کم‌هزینه‌ترین و در دسترس‌ترین روش برای او انتخاب شود. در آموزش پزشکی نیز همیشه تأکید داشته‌ام که بیمار باید مانند یکی از اعضای خانواده خودمان دیده شود و حریم خصوصی و احترام او حفظ شود. حتی وقتی دانشجویان برای آموزش در زمان معاینه حضور دارند، ابتدا از بیمار اجازه می‌گیرم و شرایط را برای او توضیح می‌دهم.

شما در طول این سال‌ها با بیماری‌هایی هم‌رو به‌رو شده‌اید که نگرانی زیادی داشته‌اند. اما در نهایت مشخص شده مشکل خاصی ندارند؟

بله، در طی ۳۱ سال طبابت با بیماری‌هایی مواجه شده‌ام که خیلی نگران وارد مطب شده‌اند، اما پس از گرفتن شرح حال و معاینه متوجه شده‌ام که بیمار مشکل خاصی ندارد. گاهی فقط اطمینان بخشیدن به بیمار باعث شده نگرانی او برطرف شود. گاهی بیمار بیش از هر چیز نیاز دارد کسی با حوصله به صحبت‌هایش گوش کند و برایش توضیح دهد که چه اتفاقی در بدنش افتاده است. پزشک باید این نگرانی را درک کند و به بیمار حق دهد.

شما همیشه درباره نگاه انسانی به بیمار و دانشجو تأکید داشته‌اید. این نگاه چطور شکل گرفته است؟

من دانشجویان را مانند فرزندان خود می‌دانم و بیماران را نیز مانند عزیزان خودم. اگر بیمار هم‌سن خودم باشد، او را مانند خواهر خودم می‌بینم و اگر هم‌سن فرزندم باشد، مانند فرزندم. به نظرم اگر پزشک بیمار را مانند یکی از اعضای خانواده خودش ببیند، بسیاری از مسائل در رابطه پزشک و بیمار بهتر می‌شود.

از خودتان شروع کنیم؛ چه شد که در دهه ۶۰ تخصص زنان و زایمان را انتخاب کردید؟

حدود سی سال قبل، کشور نیاز مبرمی به متخصص زنان و زایمان داشت و همین مسئله یکی از دلایل انتخاب این رشته بود. البته در دوره پزشکی عمومی، دیدن زنانی که تجربه مادر شدن را پشت سر می‌گذاشتند، علاقه من را به این رشته بیشتر کرد. مادر شدن از زیباترین لحظات زندگی هر زن است و همراهی با مادران در این مسیر برایم جذاب بود. من سال ۱۳۶۸ وارد دوره تخصص زنان و زایمان شدم. آن زمان تعداد رزیدنت‌ها کم بود و طبیعتاً فشار کاری زیادی داشتیم. در یک کشیک معمولاً فقط دو نفر در بخش زنان حضور داشتیم و از شب تا صبح از این بالین به آن بالین می‌رفتیم. حتی بعد از پایان تخصص هم در کنار رزیدنت‌ها و بیماران حضور داشتم. بعد از آن سال ۱۳۷۳ در امتحان پره‌بورد (آزمون دانشگاهی) رتبه نخست کشور و در امتحان بورد رتبه سوم را کسب کردم و پس از آن عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد شدم. از آن زمان تا کنون، بخش مهمی از زندگی حرفه‌ای من به آموزش و درمان زنان گذشته است.

بعد از این همه سال فعالیت، وقتی زنان برای مشکلات مربوط به سلامتشان به شما مراجعه می‌کنند، مهم‌ترین دغدغه آن‌ها چیست؟

جدی نگرفتن خودشان. به نظر من مهم‌ترین دغدغه خانم‌ها، مشکلات مربوط به خانواده است که باعث می‌شود خانم خودش را در اولویت آخر قرار دهد. خیلی وقت‌ها زن ابتدا به فکر همسر و فرزندان و خانواده است و بعد اگر فرصتی باقی ماند، به سلامت خودش توجه می‌کند. در حالی که مشکلات جسمی هم باید جدی گرفته شوند و رسیدگی به آن‌ها نباید آن قدر به تأخیر بیفتد که مشکل پیچیده‌تر شود.

ترس، خجالت یا نگرانی از قضاوت شدن چقدر هنوز مانع مراجعه زنان به پزشک است؟

قدیم بیشتر بود ولی هنوز هم گاهی چنین اتفاقی می‌افتد، اما خوشبختانه امروز با توجه به گسترده‌تر شدن تبادل اطلاعات علمی از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و دسترسی به سایت‌های مختلف پزشکی، کمتر با خانم‌هایی مواجه می‌شویم که به علت ترس یا خجالت از مراقبت پزشکی امتناع کنند. البته آگاهی به تنهایی کافی نیست. مهم این است که فرد

